

1-1-1969

Kārawān, v. 001, no. 152-302, 251

Abdul Haq Waleh

Ṣābahuddiñ Kushkakī

Follow this and additional works at: <https://digitalcommons.unomaha.edu/karawan>

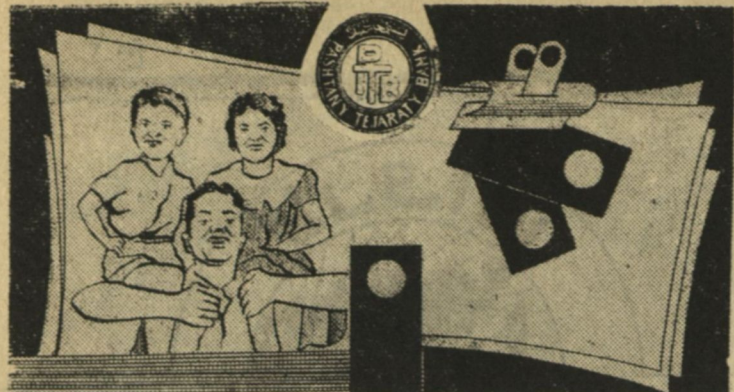
 Part of the [Asian History Commons](#)

Recommended Citation

Waleh, Abdul Haq and Kushkakī, Ṣābahuddiñ, "Kārawān, v. 001, no. 152-302, 251" (1969). *Kārawān*. 318.
<https://digitalcommons.unomaha.edu/karawan/318>

This Book is brought to you for free and open access by the Digitized Newspaper Archives at DigitalCommons@UNO. It has been accepted for inclusion in Kārawān by an authorized administrator of DigitalCommons@UNO. For more information, please contact unodigitalcommons@unomaha.edu.





کاروان

اسپیرین بایر
درمق سرماخوردگی و دردتاثير اسپيرين
فوری است
مرج، محمدنسر و صوفي زاده پيشت
تلفون: ۲۱۴۲۰

اگر مفاد معنوی و مادی خود را حفظ میکنید به پستی تجارتي بانک مراجعه نمائید

تلفون ۲۳۳۷۸

یکشنبه دسر طان ۲۹-۱۳۴۸

لهري کال ۲۰۲ گنه

دجولای ۲۰-۱۹۶۹

دجمادی الاول ۶-۱۳۸۹

سفینه حامل دوانسان درحوالی نیمه امشب بسر کره ماه پایان میشود

هیو ستن (تکساس) ۲۹ سر طان:

کیمپان نور دان امریکائی قبل از اینکه سفینه اش را ساعت ۱۲:۳۰ امشب وقت افغانستان بر کره ماه پایان کنند برای آخرین بار قبل ازین پایان شدن به استراحت پرداختند.

قرار است سفینه ماه نورد حامل نیل آر مسترانگ و ادولدرن ساعت ۲۰ جی ام تی (مطابق ۱۲:۳۰ امشب وقت افغانستان) در بحر آرام در کره ماه پایان شوند.

این دو کیمپان نورد پانزده ساعت در داخل سفینه شان باقی مانده و فردا در حوالی ساعت ۱۰:۳۰ افغانستان بخدمت زدن آغاز خواهند کرد.

سفینه ایو نو یازده دیشب درمدار مهتاب قرار گرفته و در حال حاضر به ارتفاع ۹۶ کیلو متری ماه در گردش میباشند.

کیمپان نوردان دیشب بازعکسهای روشن و رنگه تلویزیونی ماهتاب، زمین و سفینه شانرا مخابره کردند. تا هنوز هم سفینه لو نا با تزد اتحاد شو روی در مدار کره مهتاب در گردش میباشند.

ناظرین غربی هنوز هم راجع به سر نوشت این سفینه که از سه روز باینطرف در مدار ماه در گردش است متیقن نیستند.

مدیر رصد خانه جودرل بنک انگلستان گفت ممکن است ازین سفینه يك کپسول جدا گردیده و بکره ماه پیاده ساخته شده است. قبلا شو روی ها گفته بودند که لو نای پانزده با پرو گرام پرواز اپولو یازده تصادم نخواهد کرد.

دریک تصادم ترافیکی امروز یکدختر ۸ ساله هلاک شده است

دران تصادم ترافیکی جانخراشی که صبح امروز در حصه بی بی مهر و رخداد دختر هشت ساله را بنام صدیقه بنت نور الدین هلاک گردانید. صدیقه بلافاصله توسط عمه ترافیک بعد از وقوع حادثه به وزیر اکبر خان روغتون منتقل گردیده در آنجا جان سپرده است.

خبر نگار مای نو یسدکه یکمهره سرویس بی نمبر پلیت بدریو ری زین الله و لد خیر الله ساکن با میان در حالیکه میخواست انصاری واپرا از طریق میدان هوایی عبور نماید با صدیقه تصادم کرده و پرا شیدند مجروح ساخت چند لحظه بعد دران همین جراحت هلاک گردید.

تاکنون علت اصلی تصادم معلوم نگردیده ولی گفته شده ترافیک دروید را تحت نظارت و قضیه را مورد غور و تحقیق قرار داده است.

ادوارد کینیدی ازحادثه ترافیکی جان سلامت برد

سناتور ادوارد کینیدی دیروز ازیک حادثه سقوط موتر دریک دریا جان سلامت برد.

موتر حامل ادوارد کینیدی یکه نه برادر زنده رئیس جمهور مقتول امریکا با سکرتر سابق برادرش سناتور را برت کینیدی مسافرت میکرد که موتر حامل آنها ازیک پل در دریا افتاد.

ادوارد کینیدی بعد از اینکه خود را از حادثه نجات داد چندین بار کوشید تا سکرتر برادرش را نیز نجات بدهد ولی وی غرق گردیده هلاک شد.

وزارت صحیه شایعات شیوع کولرا را در افغانستان رد کرد

این رفت و آمد نیز دران نبودن وسایل در سرحد منقطع گردیده است. يك منبع دیگر حکومتی در جواب سوال نامه نگار کاروان اظهار نمود که بروز مرض کولرا اساسا در هیچ نقطه از افغانستان ثبت نگردیده است.

این منبع گفت چون بعضی وافتها این مرض در پاکستان (مخصوصا پنجاب) دیده شده از اینرو حکومت ایران طور معمول تر تیببات قرائن را در مقابل مسافرانی که از پاکستان و افغانستان از راه هوا به تهران می آیند اتخاذ کرده است.

اگر چه حکومت ایران اظهار داشته که در سرحد اسلام قلعه تر تیببات قرائن موجود است ولی قرار اطلاع واثق از هرات چنین تر تیببات هنوز اتخاذ نشده و بنابراین مسافران و توریستان تکلیف خود را نمیدانند.

قرار معلوم حکومت ایران برای رفت و آمد در یوزان حامل لاری های نفت اجازه صادر کرده بود، اما عملا

مکس از سرایت مرض جنو گیری می کند. يك منبع دیگر حکومتی در جواب سوال نامه نگار کاروان اظهار نمود که بروز مرض کولرا اساسا در هیچ نقطه از افغانستان ثبت نگردیده است.

این منبع گفت چون بعضی وافتها این مرض در پاکستان (مخصوصا پنجاب) دیده شده از اینرو حکومت ایران طور معمول تر تیببات قرائن را در مقابل مسافرانی که از پاکستان و افغانستان از راه هوا به تهران می آیند اتخاذ کرده است. اگر چه حکومت ایران اظهار داشته که در سرحد اسلام قلعه تر تیببات قرائن موجود است ولی قرار اطلاع واثق از هرات چنین تر تیببات هنوز اتخاذ نشده و بنابراین مسافران و توریستان تکلیف خود را نمیدانند.

قرار معلوم حکومت ایران برای رفت و آمد در یوزان حامل لاری های نفت اجازه صادر کرده بود، اما عملا

دواپاشی باغ های کوچک از طرف خود مردم اقتصادی نیست

عده از باغداران و آنها نی که با گل و سبزه و میوه سرو کار دارند اینروز ها شکایت می کنند که وزارت زراعت در امور دواپاشی و امحای آفات زراعتی با ایشان مساعدت نمی کند. یکی از باغداران که در محوطه اش بیش از چهل تا پنجاه درخت شمر ندارد و یک قسمت حویلی نشیمن خود را به ذرع سبزیجات و گل های متنوع اختصاص داده است به نامه نگار کاروان اظهار نمود که

باشدت گرمی آفات نباتی نیز ظهور نموده، نباتات را بسوی نیستی می کشانند. وی همچنین گفت تاکنون چندین بار بر یاست حفاظة نباتات که وظیفه اش امحای مجادله علیه آفات نباتی است مراجعه کرده ولی چیزی بدستش نیامده. اگر وضع به همین متوال قرار گیرد دهها قین و باغداران متضرر خواهند شد.

برای معلوم نمودن حقایق، نامه نگار این روز نامه با بنیاعلی عبد الله فیض یار رئیس حفاظة نباتات وزارت زراعت تماس گرفت و از وی در زمینه طالب معلومات گردید. فیض یار گفت «درست است که وزارت زراعت دارای ریاست حفاظة نباتات بوده و باید در امحای آفات زراعتی با مردم همکاری نماید، ولی باید در نظر داشت که ریاست حفاظة نباتات با ۲۱ نفر و بودجه ضیق کجا می تواند

زودتر رسیدگی نماید؟ تا سال گذشته ما بنهمه دهاقین و باغداران بزرگ و کوچک رسیدگی می نمودیم ولی از شروع امسال رسیدگی بوضع باغداران و دهاقین کوچک را بدوش خود آنها گذاشتیم.

فیض یار اضافه کرد «روزانه در حدود چهل تا پنجاه تلفون می آید

باوصف آن کمیته مخصوصی که در سال ۱۳۴۶ برای مطالعه در طرف جنو گیری از شیوع کولرا تشکیل شده، برای حفظ ما تقدم به سلسله مطالعات در آن عده شهر های افغانستان که مواجعه به شیوع مرض مذکور از خارج هستند بکار آغاز کرده است. این ولایات با سرحدات شرقی، جنوب شرقی و غربی کشور تماس دارند و عبارتند از ننگرهار، زابل، لغمان، پکتیا، زابل، کندهار و هرات.

وی گفت از روزیکه خبر شیوع کولرا در علاقه ملتان پاکستان طریق منابع موثق به افغانستان مواصلت نمود، تر تیببات و قایوی اتخاذ گردید و به تمام موسسات ملی ولایات هدایت داده شد تا سایر واقع اسبها و قوی را بدقت تحلیل و نتیجه آنرا مطالعه نمایند.

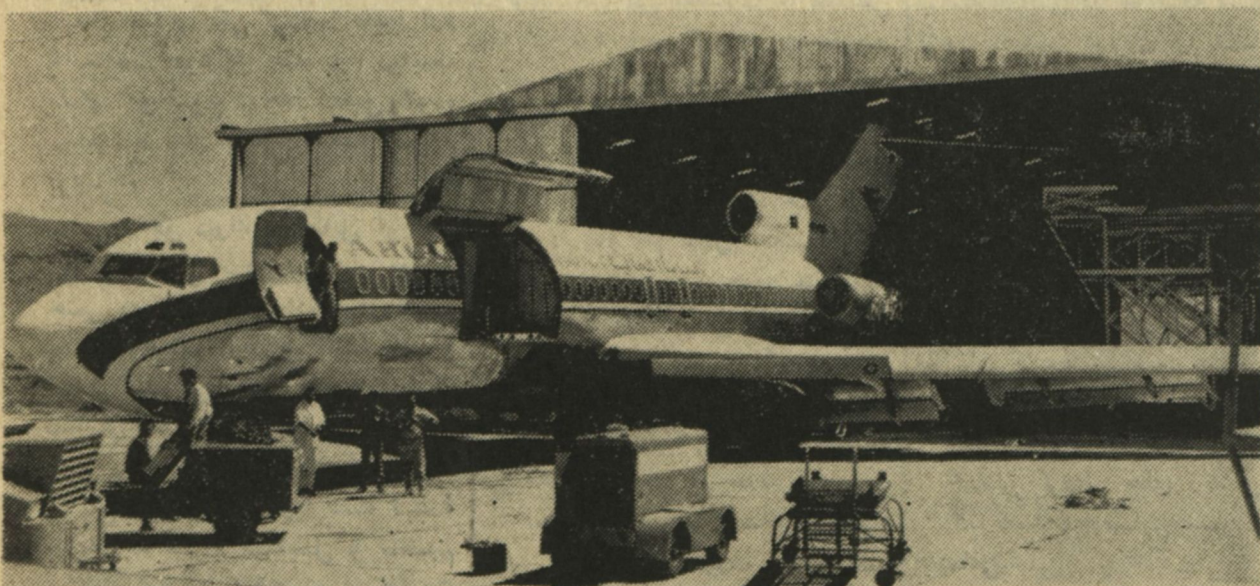
دکتر ماهر در مورد شیوع مرض کولرا و هرات و کند هار گفت سونه های قی و اسبها از ولایت هرات برای معاینات لا براتوار بی به کابل رسیده است. نشان میدهد که قی با اسبها ناشی از مرض کولرا نمی باشد.

همچنان نمونه های دیگر یکبار بو طات دشت از جی، هلمند، و حال آباد مواصلت کرده فعلا در براتوار تحت مطالعه است.

رئیس طب و قایوی وزارت صحیه گفت تا حال کدام واقعه کولرا از نظر براتوار در افغانستان مشاهده نشده و بنا بر این افوا هات مذکور نوزید میشود.

وی گفت مراعات حفظ اسبها، مخصوصا در مورد آب مشروب، صرف نمودن میوه رسیده و امحای

طیاره بوینگ دآریانا افغان هوایی شرکت تجدید گردید



یک طیاره بوینگ ۷۲۷ اجاره شده آریانا عوض طیاره قبلی ساعت هشت و نیم صبح روز پنجشنبه وارد میدان هوایی کابل گردید. این طیاره که از حیث مشخصات با طیاره جت سابق تفتاتی ندارد بر حسب قرار داد قبلی از طرف شرکت هوایی ورلد ایرویز امریکایی به آریانا تسلیم شده است موضوع اینکه طیاره اجاره شده سابق بعد از فعالیت شش ماه برای پاک کاری به امریکا می رود و خبر آن در شماره ۲۲ سرطان این روز نامه چاپ شده بود حقیقت این است که تمام طیاره ات آریانا و قتا قتا از طرف دستگاه های انجنیری خودد آریانا افغان هوایی شرکت بر رسی و سرویس میشوند. قرار داد طیاره اجاره شده با شرکت هوایی ورلد ایرویز امریکایی یکسال بوده اما ازینکه طبق قانون دولت امریکا هیچ یک طیاره فرجیستر شده امریکائی بیشتر از شش ماه از خاک آن کشور نمیتواند بیرون بماند، طیاره ات اجاره شده بعد از انقضای شش ماه دوباره به شرکت امریکائی سپرده میشود چنانچه طیاره جت سابق آریانا نیز تحت همین مقررات و پس به شرکت ورلد ایرویز تسلیم داده شد. طیاره تجدید شده آریانا نابرجس پرو گرام کما فی السابق در خطو طرین المللی آریانا مثل تا شکند، ماسکو، تهران، بیروت، استانبول، فرانکفورت، لندن و دهلی جدید فعالیت مینماید.



CARAVAN

نان طاقه و آرد کم

در جلسه اخیر مشرانو جرگه باز هم سنا تورون در باره قیمت نان بحث کردند و کمی وزن جوا لهای آرد و موضوع تازه بود که وقت ایشان را گرفت.

بر عکس و کلای و لسی جرگه، سنا تورون برای سو مین بار به موضوع نان که در حقیقت اسایترین احتیاج توده های عظیم بشر می باشد تماس گرفتند و با کمال دلسوزی و عدالت پسنندی درین باره بحث نمودند.

از بحث ایشان چنین بر می آید که با ید بعد ازین حکومت و بلد به نانو ها را در مجبور بسا ژند بجای نان جوهره نی نان طاقه بیزند. اگر حکومت یابلد به درین قسمت تا کنون اهمال کرده باشد باید شخص مسوول به جزای لازم رسا نیده شود. مو ضوع کمی وزن جوا لهای آرد تازه مورد بحث سنا تو ر قرار گرفته و به قرار سنجش ایشان از هر جوال از چهار تا هشت پاو آرد بسر قت میرسد که درینصورت سالانه از ۲۵ تا ۵۰ میلیون اختلاس بعمل می آید.

گر چه ریاست تهیه اذواق در ابتدای کار اعلان کرده بود که و زن جوالهای آرد معین است و هر کس که برویت گویون آنها را اخذ میکند باید دربار و زن آنها اطمینان حاصل کند. به اینصورت گویا ریاست تهیه اذواق قبلا مسوولیت خود را در زمینه رفع کرده است.

اما يك نکته درینجا قابل تذکر می باشد و آن این است که چون تعداد مغازه های کو پونی با نفوس کو پون در متناسب نمیشد، از دحامیکه درین مغازه ها صورت میگیرد به اندازه است که به کو پون در مجال نمیدهد و جی سر بسته را وزن نماید.

بر علاوه، اگر ساخت و بافتی در بین باشد امکان دارد مغازه در رجوال را طوری وزن نماید که کو پون در به صحت آن اطمینان حاصل کند.

به عبارت دیگر، قلب چلانی در کشور ما آنقدر تکنیک های پیشرفته دارد که اگر چند نفر با هم بسا ژند میتوانند کاه را کوهی جلوه دهند. اگر حقیقتا یکمده ما مور با تحویل دادن و مغازه داران تهیه اذواق دست خود را یکی کرده از مقدار آرد به منفعت خود بکا هتد باید ریاست مذکور مو ضوع را جدآ تحقیق و پژوه نتیجه را به اطلاع عامه مردم برساند.

مردم حق دارند در مقابل کو پون و پولی که می پردازند مقدار معین جنس را بدست آرند. اگر آرد خراب باشد میگوئیم «چیزی آسیا کند و چیزی گندم تر است» اما اگر کم باشد عذر آن چه خواهد بود؟

این روز نامه به ریاست تهیه اذواق که تازه تشکیل و تنظیم وسیعتر و بهتر یافته، بقدر کفایت خوشبین است و این خوش بینی را توضیح ریاست مذکور بعد از تحقیق درباره کم و کیف مقدار آرد بیشتر خواهد ساخت.

ما یکبار دیگر از سنا تو ران محترم که با وجود کبر سن بعضی از همکاران خویش بصورت منظم و با کمال علاقه به جلسات حاضر می شوند و مسایل بزرگ ملی را مطابق به درجه اهمیت آن مطرح میسازند، قدر دانی خود را اظهار میداریم و امید داریم حکومت و بلدی به هر دو موضوع نان و آرد را جدآ تعقیب نمایند.

مکاتیب وارده

شاغلی مدیر!

حکومت موضوع شاگردان را بحکومت دیگر نگذارد

اجازه میخوام هم بارعایت رو حیه بیطرفی پیرامون او ضاع جاری مطالبی را بعرض برسانم. وضع آشفته که از مدتی باینطرف در محیط معارف حکمرانست و باعث تعطیل مکاتب و پوهنتون کابل گردید سبب تا سف عمیق اکثریت مردم شده است.

والدین بخاطر اولاد شان که از علم و دانش محروم شده اند نگرانند و از اینکه وقت اولاد شان به بی بند و باری میگذرد نا راحتی فراوان دارند.

اکثریت والدین میگویند که برای کسب معاش و روزی تلاش کنند و یا اینکه در خانه نشسته بفکر مرا قبت و تربیه اولاد شان باشند؟

ازینکه بگذریم نکته قابل توجه سکوت حکومت است در برابر جر یا نات کنونی. این سکوت را میتوان اینطور تعبیر کرد که احتمالا مسوولان امر در نظر دارند تا ختم انتخابات شو را که پیشروی است وضع آشفته موجود را بحال خودش رها کرده و حل آنرا به پارلمان آینده و حکومت آینده مو کول سازند.

این بذات خود یک طرز تفکر است. اما باید دید که هر گاه چنین تصویری وجود داشته باشد تا چه اندازه مقرون به صلاح خواهد بود.

اگر فی الواقع حکومت موجود در برابر حل این معضلات خاموشی اختیار نموده و موضوع را به حکومت و پارلمان آینده بگذارد و حکومت آینده بدون شک ثبات سیاسی و نظم مملکت را دچار مشکلات خواهد ساخت. هر گاه حکومت آینده حزبی می بود، باز هم عیبی نداشت زیرا یک حکومت حزبی مجبور میباشد برای خود پرو گرامی طرح کند و مسلما در زمینه رفع مشکل امروزی هم چاره جوئی نماید.

اما در صورتیکه حکومت آینده نیز مثل حکومت موجود بوده و باز همان آینده احتمالا مسائل پارلمان فعلی باشد در آنصورت حل مشکل (بقیه در صفحه ۳)

دانشیار خاوند: صباح الدین کشکی
مسوول مدیر: عبدالحق و اله

بی تعطیل له ورخو هر ورخو خبر یری
کالنی اشتراك: به کابل کبئی ۳۰۰ افغانی
به ولایاتو کبئی ۳۰۰ افغانی
به خارج کبئی ۲۵ دالر
د یوی کبئی بیه ۲۰ افغانی
پته نوی بنابر، اشرف هوئل ته مخامخ
تلفون: ۲۳۳۷۸



جوان شوم ز سر و زندگی دوباره کم



باین ضعیفی و پیری اگر رسم بمراد

ظفر فوژان

انتخابات و دلچسپی رای دهندگان

دوستی، خویش و دلخواه شمی دیگران را فراموش کرده به کاندیدای رای بدهند که صدای خد متکذری او صمیمی است.

بعبارت ساده تر رای خود را به صندوق آتشخصی بیا نندازند که نماینده شان و حامی حقوق شان در چار سال آینده بتواند بود.

خلاصه لازم است مقام هر پوط و بالاخره رادیو افغانستان در مورد انتخابات، صمیمانه، روشنفکرانه و از روی دلسوزی عامه مردم را راهنمایی کند.

مملکت ما که در اولین پله های زینه دیمو کراسی قدم میگذارد به چنین رهنمائی احتیاج دارد.

برویم باین امر عادت خواهیم گرفت که با همین یک رای خود در حیات ملی مملکت مستقیما سهم میگیریم. خلاصه این عامل هم در اثر نبودن

مشق و تجربه بود آمده است و باز هم رادیو میتواند معلومات و اطلاعات و رهنمائی لازم بمردم نموده آنها را به این مسوولیت شان واقف بسازد. بحث درباره سرگردانی های زندگی مردم از موضوع این مقاله بیرون است. مشکلات ثبت نام و مسافرت های مربوط توسط کاندید های پول دار حل و فصل میشود و نفوس زیاد کابل که پس از دهها سال اقامت با تذکره از کدام ولایت دیگر هنوز به همان منطقه خود رای میدهند، اکنون اگر مثلا چنین رهنمائی صورت بگیرد که رای

مسافرت ها و غیره. از آنجائیکه ما باز مینویس، خوشبین ها و امیدوار ها و علاقه مندان ها سرو کار داریم، عامل آخرین را در نظر نمیگیریم.

عامل اولین یا نا بندی یا مشق دیمو کراسی و هم عدم رهنمائی کافی از طرف منابع مسوول یک حقیقت انکار ناپذیر است. چگونگی نمیتوانیم بمردم خود اقبای دیمو کراسی و سهم گیری در حیات ملی را بیا موزیم؟

از آنجائیکه قسمت اعظم نفوس سواد ندارد، این وظیفه بدو ش رادیو افغانستان بحیث یک واحد مشخص مطلوبات می باشد تا مردم را درین مشق و تمرین رهنمائی کند. بایه ملتفت بود که در مسایل سهم گیری در حیات ملی دو نوع فعالیت صورت میگیرد. یکی رهنمائی و دیگری تبلیغات.

اگر رادیو افغانستان نمیتواند برای کاندید های خوب تبلیغ کند برای روشن ساختن اذهان طبقات عظیم رای دهندگان رهنمائی های لازم را که نموده میتواند.

مثلا را دیومیتواند اهمیت یک رای را که همسپریان بوسیله آن در حیات سیاسی مملکت سهم میگیرند، به شنوگان بفهماند مثلا رای های خود را بدلیل پلوی که خورده اند یا خلعتی که قریه دار شان گرفته است بصندوق کاندیدای نمایندازند که همیشه آنها را به نفع خود استعمال کرده و هر چه از آنها گرفتنی بوده گرفته. بلکه در صندوق راستکاران و خد متکذران بیاندازند.

مثلا را دیو میتواند که تعداد بزرگ نفوس را تنویر نماید که در بین کاندید ها هنگام رای دهی،

مخبر کوچک

این من بودم که بملاقات بنده خدا رفتم. چند روزی بود که نعمت دیدارش محروم بودم. در که نشسته و بافکار عمیقی فرو و چشم ها را به نقطه ای نامعلوم دوخته است. انگشت شهادت ر رخسار مانده و انگشت سبابه را ر زنج و بقیه را زیر لب.

وقتی مرا دید گفت خوب شد اما که خیلی احساس تنهائی میکردم. اگر کدام مطلب تو داشته باش بحث کنیم.

گفتمش برادر بسیار بحث کرد مطالب را عنوان نمودیم. بسیار ها را جدی و هزل گفتیم. و حاصل آن جز درد سر نبود. از سبب است که من کدام موضوع ندارم. من و تو اکنون کهنه شایم. عقل ما به چیز های نو قدیمی لهدا بیا که شعر بخوانیم بماند حال. خواهش کرد که اول تو شروع کن. خواهش را پذیرفتم و که حضرت ابوالمعانی بیدل همه وقتی صحبت خوشش نمی آمد و در میکشید چنین سروده است: «گر شدم تا چند حرف حق و با بشوم بشکند این ساز تا چه چیزی از بشنوم».

بنده ای خدا گفت: خیر برادر من هم کر نشده ام و هم میخوام حرفها را بشنوم. ته از میان باطر حق جای خود را بگیرد. و ساز نمیخوام بشکنم زیرا دل من هائی میخوام هد که شنیدن آن خطر در بر دارد. مثلا دلم میخوام که امروز پول یک پاو گوشت داشته باشم. دلم میخوام هد خا چند نفر مستخدم داشته باشم. دلم میخوام هد دخترانم عوض بیا های لیلای تکه ای سرگز بخرم. بیهوشند، دلم میخوام هد یخته تو شک بپر ناز دانه ام که مش سنگ سخت گردیده نباشد (بقیه در صفحه ۳)

نساچی عبدالروف مقصودی
بافندگی منسوجات نخی و سندی



ABDUL RAUF MAQSUDI
TEXTILE MILLS KABUL

نساچی مقصودی محصولات جدید خود را تقدیم میدارد:
کتان برنگ ها و جنسیت های مختلف، تکه های را مدار.
هر نوع فرمایش را می پذیرد.
نمایندگی فروش: سرای هزارگل دکان عارف و تمام دکان های تکه
فروشی کابل و ولایت.

آریانا فلز



سازنده بهترین اجناس

فلزی. مراکز فروش افغان

مارکیت و بریکوت.

تلفون ۴۲۷۳۳

و ۲۲۱۶۰

(بقیه صفحه ۲)

انتخابات و دلچسپی

دهندگان از مسافرت و پلوهایی پولداران استفاده نمایند و رای خود را به شخص مستحق بدهند به کاندیدی که در آرزوی امتیازات مادی، نام بزرگ، اقتدار و قتی و تأمین مصونیت برای استفاده جوئی بیشتر میباشد.

گفتیم از هر ده نفر در افغانستان يك نفر رای میدهد. اکنون اگر کسانی را که کمتر از بیست سال دارند ازین جمله بیرون کنیم و هم اشخاصی را که حق رای دهی را بدلیل تذکره داشتن از کدام محل دیگر ندارند و هم اشخاص پیر را که بعزت کبر سن نه در ثبت نام و نه در رای دهی اشتراک میکنند و وضع کنیم باز متوجه خواهیم شد که این مقایسه رای دهندگان با نفوس بسیار از هم فاصله میگیرد.

اکنون اگر علاوه بر عوامل بالا در کم سهم گرفتن افراد در انتخابات کدام عامل دیگر هم دخالت داشته باشد باید در جستجوی آن باشیم. این عوامل هر چه باشد اگر اشخاص طور لازم رهنمائی و تنویر شوند، به مراکز مربوط مراجعه و حق مدنی خود را حصول خواهند کرد.

خلاصه باید افراد رای دهنده و مقامات مسوول در گوشه مشکل ساختن این سهم گیری افراد در حیات ملی نباشند. بلکه درین زمان بخصوص این وان کودکی دیموکراسی در مملکت که تمام حرکات و فعالیت های ما بحیث يك عنعنه و رواج برای نسل های آینده خواهد ماند:

باید بگوئیم عنعنه و رواج هایی را از خود بیاد کار بگذاریم که لا اقل فرزندان ما از نمره يك دیموکراسی بقوام رسیده مستفید شوند و از مایه نیکوئی یاد کنند.

ما هر کسی هستیم، در هر مقام و مسلکی که هستیم، تاجر قدر یکه میتوانیم و بهر وسیله که بدسترس داریم مردم مملکت خود را تنویر رهنمائی و تشویق نمائیم تا يك انتخاب شایسته و معقول صورت بگیرد.

محشر کوچك

(بقیه صفحه ۲)

تا یکی را گریه بدهم. راستی تا این حصه میدیدم که خانم بنده ای خدا با ذکر هر کدام از خواش های ا و همخوانی نشان داده و کله ای خود را بصورت تا بید شور میداد و حتی یگان باز تبسم هم بر لبانش پیدا میشد. مخصوصاً وقتی گفت دو خانه داشته باشم و یکی را گریه بدهم. خانم فوراً جانب پیراهن و بوت و جراب خود دیده خندید. شاید او هم بدل میگفت که از حاصل آن گریه همه چیز خود را که کهنه شده است نو میکند. هر سه خوش و خشنود بودیم. با اصطلاح گل میگفتیم و گل میشدیم. که ناگاه بنده ای خدا يك خواش دگر خود را هم اظهار کرد. میخواستیم در تشناب ما عوض لو تهو بادیه، تب و شاور با شند، دلم میخواست، دو تا خانه داشته باشم ولی من میخواستم که آن خانه ای دوم (بقیه در صفحه ۴)

آخرین مراحلی که برای پیاده شدن بر کره ماه بکار میرود



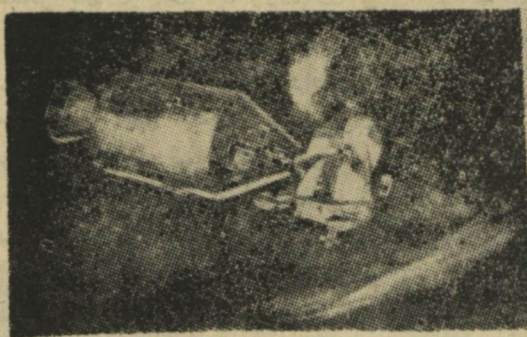
۷- قسمت بالائی آن از ماه بلند میگردد.



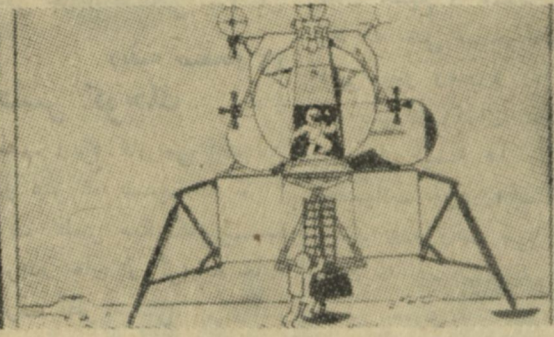
۴- دو کیهان نورد توسط سفینه کوچک به کره ماه پائین میشوند.



۱- سفینه بولو در مدار ماه داخل میشود.



۸- قسمت بالائی سفینه کوچک به سفینه اصلی وصل میگردد. کیهان نورد از طریق تونل کوچک داخل سفینه می شود.



۵- يك کیهان نورد از سفینه کوچک برای نخستین بار بر کره ماه قدم میگذارد.



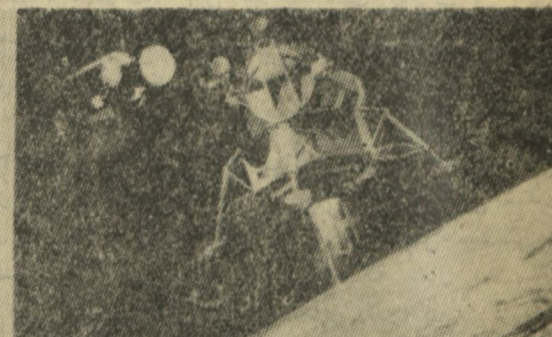
۲- سفینه کوچک حامل دو نفر از سفینه اصلی جدا می شود.



۹- سفینه اصلی سفینه کوچک را ره امیکنند و خود را از زمین رها میسازند و در حال مراجعت بسوی زمین می باشد.

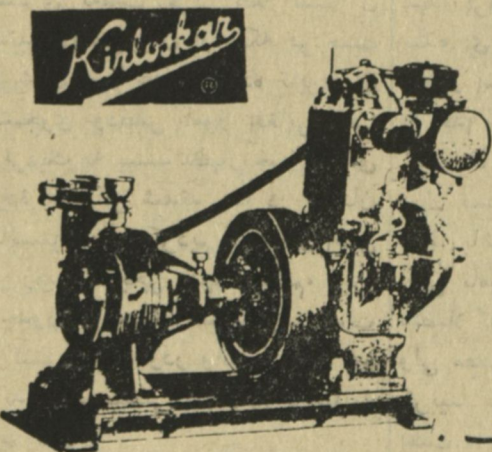


۶- کیهان نورد دیگر در عقب او می آید. وی عکس برداشته و نمونه مواد کره ماه را بر میدارد.



۳- در حالیکه يك کیهان نورد در داخل سفینه اصلی قرار دارد سفینه کوچک دور ماه می چرخد.

کرلو سکر



مجمع مفاهیم: رانندگی، جاده، ناپستون کابل، تلفون ۲۱۹۱۵

بهترین آلات زراعتی
و صنعتی و پمپهای دستی
آبکشی آبیاری
دیزلی و غیره مخصوصاً
کمپنی کرلو سکر که از بهر
مورد اطمینان اند برای
استفاده شما حاضر است.

اعلان برای شما یقین کباب

اگر حقیقتاً شما اقسام کباب اعلی را خوش دارید
يك مرتبه به رستوران بهاری ملی سینما تیاتر
تشریف بیاورید و آزمایش کنید.

دعوت های کباب شما نیز بخوشی پذیرفته میشود
اوقات فروش از ساعت ۱۲ بعد از ظهر الی ده شب
فراغوش نکنید رستوران بهاری ملی سینما تیاتر
مقابل وزارت داخله

(بقیه صفحه ۲)

مکاتیب وارده

معارف و بو هنتون را به آینده محول کردن نه تنها درست نیست، بلکه به صلاح وضع عمومی مملکت نیز نمیشد و امید و ارام حکومت موجوده بیش از شروع انتخابات پارلمانی بر رفع مشکلات فایز آید.

با احترام محمد یاسین جهانی
یادداشت اداره:

لیسه های نهاری بدرس شروع نموده و تنها بو هنتون کابل چند روز دیگر تعطیل خواهد بود. یقیناً حکومت موضوع را به شوخی دیگر و حکومت دیگر نخواهد گذاشت.

بنای ساختمان



بنائی

دستگاه ساختمانی مجهز با ماشین آلات عصری.

علاوه بر اعمار منازل ارزان قیمت، مواد اولیه

تعمیراتی را مانند خشت به اندازه های عادی اختصاصی

و ماشین، چغل دریائی و ماشین را به اندازه های

مختلف و قیمت مناسب عرضه میکند.

دستگاه ساختمانی بنائی هر نوع فرمایش ساختمانی تا نرا

در مرکز ریاست واقع یکه توت و در آمريت تهیه واقع

خبرخانه میهنی پذیرد.

بنائی

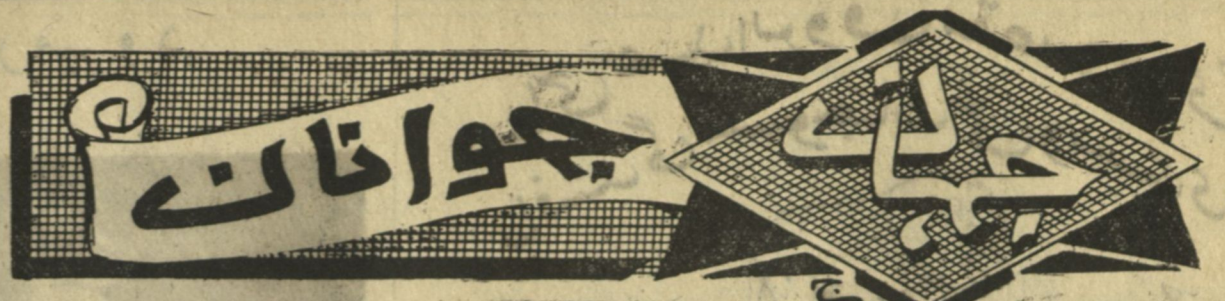
برای قبول هر نوع فرمایش ساختمانی در خدمت شماست.

نمبر تلیفون ۲۳۷۴۷

آگاهی

در ملی سینما تیاتر سر از امروز فلم عالی و زیکال سرا پا رنگه
هندی بنام هری کاو نس کی چوربان به اشتراک بسواچت، نذیر حسین
و دیگر چهره های محبوب سینما می دهند.

اوقات نمایش ساعت ۳-۴، ۷، و ۹ شب
فراغوش نفر مائید در ملی سینما تیاتر مقابل وزارت داخله.



متصلی صفحه جوانان ضیا حیدری

دانش جویان ایرانی در کابل

گروه ۲۵ نفری دانشجو یان ایرانی برای دید و باز دید های دو ستانه از افغانستان بو سیله سر ویس شمرکت تی.بی.تی وارد کابل شده اند.

سرپرست این دسته داکتر شمر یار نقوی استاد دانشگاه تهران میباشد وی به خبرنگار کاروان گفت: دسته بیست و پنج نفری دانشجو یان دانشکده ادبیات و علوم انسانی در راه سیر علمی در کشور های افغانستان، پاکستان و هند یک هفته با فغانستان توقف میکنند و این دیدار ما بد عوت دانشگاه کابل صورت میگردد که من شخصا از این دیدار نهایت خرسندم و هیچ فکر نمیکنم که در کشور بیگانه با شمل بلکه زبان و فرهنگ، عادات و کیش مشترک مان بمن ثابت ساخت که افغانستان و ایران دو کشور خیلی نزدیکند و من طر فدار هر چه بیشتر نزدیکی علایق افغانستان و ایران استم و از دانشجو یان کابل تقاضا دارم تا بما منت بگذارند و ما را میزبانهای خود در ایران قبول کنند.

بعد به سراغ بانو زنده شاهی رفتیم که سمت سرپرستی دبستان دختران دانشجوی تهران را برعهده دارد.

وی با لطف بسیاری به سوالهای من پاسخ داد و راجع باینکه در افغانستان چه احساسی میکنند گفت:

«من اصلا هیچ فکر نمیکنم که میان مردم بیگانه باشیم. از همان لحظه ای که وارد خاک افغانستان گشتم خیلی تحت تاثیر محبت خواران و برادران افغانی خود واقع شدیم.

خانم زنده شاهی پیرامون جنبه های مالی این مسافرت گفت: مصارف دانشجو یان را دانشگاه تهران و امیر عباس هودا صدراعظم ایران پرداخته اند و دانشجو یان هیچ مصرف فوق العاده ای را متحمل نمیشوند.

خانم زنده شاهی در اخیر از خبر نگار کاروان خواست تا بهترین سلامهای گرم و احساسات بی آرایش دانشجو یان ایرانی را به تمام خواران و برادران افغانی برساند.

دو شیزه طاهره گنجبر
طاهره گنجبر دختر خوش شکل و شیرین صحبت به خبرنگار گفت: «والله چه بگویم. اگر راستش را بخواهید من نمیدانم این کشور خود مان است و یا کشور دیگری. من از لطف بی نظیر و صمیمیت دلنشین افغانها خیلی خور ستمم بفرمان شما بی نظیر است.

دو شیزه گنجبر در مورد اینکه افغانستان را چه نوع کشوری یافته گفت: شهرهای هرات قندهار و غزنی که در مسیر راه ما واقع بود از جاهای تاریخی دیدن کردیم و این کشور زیبا برای ما بسیار دلپسند واقع شد و خصوصاً همین بفرمان را بسیار زیبا و بی نظیر یافتیم. یو را بهتاج هم از جمله دانشجو یان است که با علاقه زیادی باندانشجو یان افغانی صحبت میکرد و راجع بمشکلات شان در افغانستان گفت: «کارهای ما از لطف برادران

افغانی خود بخود سر براه میشود و فکر نمیکنم در افغانستان به هیچ مشکلی دچار شویم و اما در پاکستان و هند ممکن است از سبب اختلاف زبان اینطور نباشد.

دو شیزه فرح بخش که اکنون تحصیل ما فوق لیسانس خود را در دانشگاه تهران ادامه میدهند و کارمند تلو یزیون نیز میباشد راجع به تعداد فرستنده های تلو یزیون در ایران گفت: هم اکنون پنج فرستنده تلو یزیون در ایران وجود دارد که در تهران بر علاوه تلو یزیون ملی دستگاه فرستنده دیگری در اختیار وزارت آموزش و پرورش است که برای آموزش دبیرستانها بکار افتاده است و در آینده نزدیک ایران دستگاه رنگه تلو یزیون را از فرانسه وارد خواهد کرد.

دو شیزه فرح بخش گفت: با وجودیکه ایران تا اندازه زیر نفوذ باوجودیکه ایران تا اندازه زیر نفوذ



گروه ۲۵ نفری شاگردان دانشکده تهران باریس پوهنتون کابل وعده از استادان و شاگردان افغانی

فرهنگ و تمدن غرب رفته باز هم علایق ناگسستنی کشور های مان ما را باهم نزدیک نمیدارد و تا بحال در هر حصه افغانستان که پیاده شده ایم هیچ احساس غربت و بیگانگی نکرده ایم.

دو شیزه فرح بخش پیرامون مظاهرات و اعتصامات دانشجو یان تهران گفت: تاکنون که من دانشکده را بیابان رسانیده ام فوق لیسانس خود را تحصیل میکنم از طرف دانشجو یان تهران هیچ خرجی در این مورد صورت نکرده است.

دانشجو یان دو کشور در پوهنتون کابل باهم در مورد مختلف صحبت های گرم داشتند و عکسهای دستجمعی زیادی برداشته محصلان افغانی دسته های گل به میهمانان ایرانی شان گرداندند.

(بقیه صفحه اول)

دو پاشی توسط خود مردم

مردم خود شان دوا های ضد آفات نباتی را خریداری نمابند، وزارت زراعت در قسمت دوا پاشی از همکاری خود مضایقه نخواهد کرد. نور محمد یکتا از همکاران سینالیمتد که امتیاز فروش دوا های ضد آفات نباتی را دارد به نماینده کاروان اظهار نمود: «اگر کسی بخواد با بخشی از شر آفات در مان بماند نمی تواند با خریدن يك بوتل دوا بنام فولیدول ام به قیمت ۳۰۸ افغانی در ختان، سبز بجات و کلهای خود را نجات دهد. اضافه برای دوا پاشی بمیه مخصوص نیز بکار است که قیمت آن بین هشتصد تا دوهزار و پنجاه افغانی می باشد. هنگامیکه مصرف دوا پاشی ده یا بیست درخت سنجش گردید چنان نتیجه بدست آمد که حداقل دوا پاشی يك درخت با افزایش مصارف کارگر مر بو طه در حدود سه صد افغانی تمام میگردد که با چنین شرایطی هیچکس جرئت دوا پاشی را پیدا نخواهد کرد.

نور محمد در جواب سوال دیگری گفت امکان دارد در روزهای آینده تر تیباتی گرفته شود تا ترتیب ادویه و بمپ آن توسط اشخاص فنی خود موسسه به خانه برده شود و آنگاه قیمت دوا پاشی هر درخت یا گل بته برای مالک آن پیش از دو تا سه افغانی تمام نگردد.

جوانیکه از عشق فرار کرده بود حالا اسیر دام دیگری شده

جوانیکه نام خود را کریم وشغلش را ماموریت دولت وانمود کرد بدفتر روزنامه کاروان آمده از مقصدی صفحه جوانان خواست گفتنی های او را به صفت يك جوان رنج دیده نشر نماید:

ما که هدفی جز رهنمائی جوانان نداریم، تو ضیحات او را بنا بر ارزش اجتماعی آن بخوانند کان از جمند خود تقدیم می کنیم:

کریم گفت: من در آوان صبوات دوره مسرت بازی را در آغوش فامیلم سیری کردم نوازش والدین مرا آن چنان مطیع و منقاد ایشان ساخت که بود که حتی نمیخواستم لحظه افسرده حالی پدر و مادرم را بچشم ببینم. پس از اكمال تحصیلات ابتدائی بیکی از لیسه ها شامل درس شده تحصیلات خود را بسوی اعلى پیش بردم. همه وقت طرز کار و رویه من مورد تأیید استادانم بود. از جهان عشق خبری نداشتم. وقتی سرگذشت يك جوان نا کام و شکست خورده را می شنیدم آنرا افسانه می گفتم.

«سو به زندگی ما متوسط بود. خانواده ام آنقدر که فکری می کنند عصری و مدنی نبودند. باور کنید تا صنف نهم بازی قطعه، شطرنج، کرمبول و غیره را نمی فهمیدم. تصادف مرا با فامیلی آشنا ساخت که گوئی والدین و اولاد آن از شهر مود آمده بودند. دختران جوان و پسران رشید از صبح تا ظهر به آرایش سر و صورت مشغول بودند و گاه گاهی بعد رسه میرفتند.

کریم اهی کشیده گفت: «من با وجود هر گونه مشاهدات احترام و اخلاص خود را نسبت به آن خانواده از دست ندادم. شب نشینی بچه هاو پارتی رفتن ایشان مرا هم از میان کر تی چر کین و پیراهن نوع دریشی خواب بیکبار کی بیرون کشید. هوس نکتائی و ذوق لباس لوکس ب سرم زد. یکدست دریشی خریدم. در همین موقع بود که پدرم طرح از دواج جدیدی را با یکی از اقاربش ریخته و مادرم با وضع تاسر آوری دچار شکنج و خرابی اعصاب شده.

باز دواج جدید پدرم شیرازه زندگی ما کاملاً از هم پاشید. پدرم برای رفت و مادرم در منزل پدرش منزوی شد. البته این از و از حسادتی منشأ میگرفت که ما درم را در برابر يك جریان غیر متر قبه قرار داده بعد از سیری شدن چند ماهی این فامیل برای ما موریت رسمی به یکی از ولایات سفر نمود. از ما درم اجازه گرفته بایشان همسفر شدم. وی علاوه کرد «چند سالی مثل فرزند این فامیل لباس می پوشیدم

دارد اینست که از آغاز شب تا کو هیچ احساس محبت نسبت به دختر و دردم راه نداشته و از مفهوم اصیل و عینی عشق بی خبر بوده حتی بکوچکترین علاقه نداشتم.

در چنگال يك عشق آتشین
«از آبشاری فرار کرده بودم. خوش داشتم که اسیر گفتمد مجبور کسی نیستم اما روزگار تصادف دیگری پیش آورد. چشمانش بسیزی خاصی دلم را برد. رفتنم کردایی که فکر می کنم عمقش را هیچ انسانی حدس نمیتواند زد.

«محبوبی یافتم دلپذیر. قلمر بیحت از معان جا ویدان زندگی بود تقدیم و محبت را به او اهداء کردم. «ازو میخواستم مرا دوست داشته باشد. امروز حسن اوشیفتگان زیانی دارد و من هم خوشی و سعادت او را میخواهم.

کریم در زمینه از همکار این نامه خواست مطالب او را چاپ کند زیرا این مطالب آموزنده و انتباهی میباشد در همان موقع تقلاي من بر ای

کریم در زمینه از همکار این نامه خواست مطالب او را چاپ کند زیرا این مطالب آموزنده و انتباهی میباشد در همان موقع تقلاي من بر ای

کریم در زمینه از همکار این نامه خواست مطالب او را چاپ کند زیرا این مطالب آموزنده و انتباهی میباشد در همان موقع تقلاي من بر ای

کریم در زمینه از همکار این نامه خواست مطالب او را چاپ کند زیرا این مطالب آموزنده و انتباهی میباشد در همان موقع تقلاي من بر ای